

پایان تاریخ در خاورمیانه

تغییرات در کنشگران عربی

شدید بر آزادی دینی، یک فضای اجتماعی بیشتر لیبرال و یک بخش خصوصی سرزنده تر ترکیب می کند. می-توان این الگورا "اجماع شورای همکاری خلیج فارس" نامید اما حوزه عملی آن از تانزانیا تا اردن و فراتر از آن را در برمی گیرد.

اجماع شورای همکاری خلیج فارس^۵، واکنشی بود به مجموعه ای واقعی از مشکلات. با اینکه در اوایل این قرن، رادیکالیسم یک نیروی اقلیت در جهان عرب به شمار می رفت اما همچنین نیرویی در حال رشد نیز محسوب می شد که توسط جوانانی که سال های متممادی بین فراغ التحصیلی و ورودشان به بازار کار را بی هدف گذرانده بودند، تشدید گردید. گروه های جهادی نه تنها به جوانان، پرداخت دستمزد و نوعی حس تعلق می دادند بلکه از غربت و بیگانگی که بسیاری از آن

شوروی^۲ در جنگ سرد^۳، پایان تاریخ است، واشنگتن را متحیر کرد. فرانسیس فوکویاما^۴، در فروپاشی کمونیسم، "پایان یافتن کامل جایگزین های سیستماتیک عملی برای لیبرالیسم" را دید. او کامیابی لیبرالیسم را "نقطه پایانی تکامل ایدئولوژیک بشر و همگانی سازی دموکراسی لیبرال غرب را، شکل غایی حکومت بشری - دانست". بسیاری از دولت های عربی کنونی معتقدند که آن ها نیز اکنون به نقطه ای مشابه از شفافیت رسیده اند ولی در واقع در موضعی متفاوت مستقر شده اند. آن ها هنوز تحت تأثیر تبعات جنبش بهار عربی قرار دارند. نقطه تلاقی و هم گرایی این دولت ها، الگویی است که استبداد را با یک شبکه امنیت اجتماعی، محدودیت های

کنشگران عربی باید بدانند که سازگاری و انعطاف پذیری به جای توجه به قدرت صرف عامل تعیین کننده موفقیت کشورهایشان خواهد بود همان گونه که در سه دهه گذشته مشخص شده هیچ نظامی نه کمونیسم شوروی نه لیبرالیسم غربی مدنظر فوکویاما بدون اصلاح و مرمت مداوم قابل دوام نیستند. در این راستا، جان آلترمن^۱، معاون ارشد «زیگنیو برژینسکی» مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا و مدیر برنامه های خاورمیانه در «مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی» سرمقاله ای با عنوان «پایان تاریخ در خاورمیانه» منتشر کرد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

در تابستان سال ۱۹۸۹ یک دانشمند سیاسی جوان، با این اعلام جسورانه که پیروزی غرب بر اتحاد جماهیر

2. Soviet Union

3. Cold War

4. Francis Fukuyama

1. Jon B. Alterman

شبکه های اجتماعی داشته اند و با کمک اینفلوئنسرها، استوری های مثبتی منتشر می کنند که توجه جوانان را جلب می کند. همچنین گفته شده است که آن ها در زمینه های رأی گیری، گروه های کانونی و تحلیل احساسات در شبکه های اجتماعی، سرمایه گذاری کرده اند و از این طریق، تأثیرات گفتار و رفتار

را پذیرفت بلکه در واقع به سمت آن تشویق کرد. با پدیدار شدن بحران مسئله انتقال انرژی، به نظر می رسد که شرایط گسترده تر اقتصادی آماده دشوارتر شدن، هستند. بخشی از این اجماع جدید، تعهد برای جدی گرفتن مسئله جوانان است. بسیاری از دولت های منطقه، عملکردهای حرفه ای در زمینه

ها احساس می کردند نیز سخن می گفتند. اقتصادهای ضعیف، مایه ناامیدی هستند، چون تعداد جوانانی که به دنبال استخدام دولتی اند، بیشتر از ظرفیت های استخدامی دولت است. از هر نظر، نهاد دینی، یک شریک غیرقابل اطمینان در مقابله با افراط گرایی بوده است و در بسیاری از موارد، نه تنها عدم تحمل



داد. امارات متحده عربی در حال ساخت مجموعه ای در ابوظبی است که شامل یک مسجد، کلیسا و صومعه است. همچنین این کشور از ساخت اولین عبادتگاه مورمون ها^۳ در محل نمایشگاه اکسپو^۴ دبی 2020 (بعد از اتمام نمایشگاه) استقبال کرد. دولت های منطقه

به اجبار برای پذیرش و تحمل اجتماعی است. طرح پلیس دینی در عربستان سعودی عقیم ماند و دولت اقدام به ترویج کسرت های عمومی، سینماها و اجتماعات عمومی نمود. رئیس جمهور سوسی^۱ تلاش ویژه ای برای پذیرش و توسعه کلیسای قبطی^۲ در مصر انجام

خود را می سنجند تا اقداماتشان را بر آن اساس تنظیم کنند. احتمالاً سرویس های امنیتی نیز شبکه های اجتماعی و ارتباطات الکترونیک و نیز اینترنت را رصد می کنند. آن ها از این عرصه با یک انرژی روزافزون مراقبت می کنند. به علاوه، چندین دولت سیاستی را در پیش گرفته اند که تقریباً شبیه

3. Mormon

4. Expo

1. Sisi

2. Coptic Church

به شکلی فزاینده تلاش می کنند تا خطابه های مساجد را مکتوب کنند. به ندرت با این گونه اقدامات، مخالفت آشکاری صورت می گیرد. از یک منظر می توان گفت که این اقدامات با تأخیری طولانی در حال انجام هستند. بر اساس این روایت، نیروهای محافظه کار برای مدّت نیم قرن در خاورمیانه، قدرت را در اختیار داشته اند و پلورالیسم را تا حد ممکن تضعیف کردند و هم زمان، دیدگاه های خود را نیز بر نسل جدید تحمیل نمودند. در طول این فرآیند، خاورمیانه درگیر خشونت و آشوب شد. بسیاری از خوش آتیه ترین جوانان، به فکر مهاجرت افتادند و اقتصادها راکد و ضعیف شدند. اسلام سیاسی، نشان داد که یک بن بست است و بروکراسی های ملال آور دولتی، بسیار فراتر از نقطه تحمّل پذیری، گسترش یافتند. اقدامات جدید باعث خواهد شد تا دولت ها سریع تر و چابک تر گردند و کشورهایی که هدایت می کنند بهبودپذیرتر شوند. بر اساس نگرشی دیگر، می توان گفت که این اقدامات صرفاً در راستای جایگزین ساختن گونه های قدیمی استبداد با انواع مدرن تر آن است. در این تحلیل، نظام های جدید، بیشتر از قدیمی ها، بهبودپذیر و یا بادوام نیستند و با کاهش رانت - نه حداقل درآمدهای هیدروکربنی که دهه ها منطقه را پابرجا نگه داشته است - شکاف ها به سرعت پدیدار

می شوند. مشکلات اساسی، هیچ دستاوردی نداشتند و محافظه کاران نیز به نتیجه مطلوب خود نرسیده اند ولی با این وجود دیدگاه های آن ها جذابیت دارد. دولت ها همچنان تلاش دارند تا مردم را از پویایی در زندگی محروم سازند. در سوی دیگر، رهبران مسئولیت نظارت بر رفتار و زیاده روی هایشان را خودشان به عهده گرفته اند. این نظام های مدرن تر، به جای ترویج بهبودپذیری، تلاش می کنند تا مکانیزم هایی که آسیب های فاجعه بار آن ها بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاورمیانه اثبات شده است را حفظ کنند. به نظر می رسد که حقیقت، جایی بین این دو مسیر افراطی قرار داشته باشد. قطعاً صحیح است که دولت های عربی غالباً اقتصادهای خود را خفه و سرکوب کرده اند و فضای زیادی را در اختیار نیروهای دینی قرار داده اند تا راه خود را به سمت سلطه اجتماعی با زورگویی هموار سازند. برخی از اقدامات و تحرکات جدید، ضروری و خوشایند هستند. همچنین این صحیح است که تلاش حکومت ها برای حفظ کنترل و سلطه، تهدیدی برای نوآوری است و مانع بازنگری رفتارهای معیوب و ناقص می شود. وقتی هیچ حد و مرزی وجود ندارد، دولت ها پا را از حد خود فراتر می گذرانند؛ جایگاه "شهریاران فیلسوف" مشتاق، در قرن بیستم ارتقاء یافت اما آن ها

بیشتر گرایش ها و رفتار افراطی را به وجود آوردند که منتهی به نظام هایی شکست خورده شد. موسولینی^۱، استالین^۲، پرون^۳، خمینی و چاوز^۴ همگی از جای دیگر تأثیر گرفته بودند. چین زمانی شکوفایی پیدا کرد که سیاست، یک گام بزرگ به جلو^۵ و انقلاب فرهنگی^۶ مائو زدونگ^۷ را کنار گذاشت.

دولت های منطقه لازم است بدانند که سازگار شدن و انعطاف پذیری، به جای قدرت صرف، تعیین کننده موفقیت کشور هایشان است. همان گونه که سه دهه گذشته نشان داده است. هیچ نظامی - نه کمونیسم شوروی و نه لیبرالیسم غربی فوکویاما - بدون حفاظت دائمی، پایدار نخواهد بود. تاریخ در سال 1989 به پایان نرسید و اکنون نیز به پایان نخواهد رسید. تواضع در حکومت داری به اندازه قدرت، اهمیت دارد.^۸

1. Mussolini
2. Stalin
3. Peron
4. Chavez
5. Great Leap Forward
6. Mao Zedong
7. Mao Zedong

۸. منبع:

<https://www.csis.org/analysis/end-history-middle-east>